

نقدی بر موضع حقوق کیفری ایران در رابطه با دفاع مشروع

دکتر صادق سلیمی^۱

چکیده

دفاع مشروع یکی از عوامل توجیه کننده ی جرم است که با از بین بردن رکن قانونی جرم، توسل به زور علیه دیگری را مباح می کند. فلسفه ی وجودی دفاع مشروع، دفع هرگونه تعرض به «حق» است؛ از این رو، اصولاً موضوع مورد دفاع همواره یک «حق» است. فعلیت یا قریب الوقوع بودن و غیرقانونی بودن حمله و تناسب و ضرورت دفاع شرایط اصلی دفاع مشروع هستند. در مواد 2-61 و 30-625 قانون مجازات اسلامی مقررات دفاع مشروع آمده است. در این نوشتار به تحلیل و نقد این مواد پرداخته شده است. برخی مندرجات این مواد با یک دیگر متضادند، برخی مطالب تکراری و برخی نادرست هستند. حق توسل به زور برای جلوگیری از فرار متهم پیش بینی نشده است. اغلب دادگاه ها تمایلی به ورود در مبحث دفاع مشروع ندارند؛ از این رو رویه ی قضایی نیز در این زمینه بسیار ضعیف و ناکارآمد است. در بخش نتیجه گیری مقاله ضمن جمع بندی، پیشنهادهایی مطرح شده است.

واژه های کلیدی: دفاع مشروع، دفاع از خود، حق دفاع.

یکی از نهادهایی که در حقوق کیفری به منظور صیانت از هر گونه تعرض به حقوق افراد پیش بینی شده است، حق دفاع از خود یا «دفاع مشروع» می‌باشد. اگر مقررات مربوط به دفاع مشروع به دقت و به درستی تدوین شود و رویه‌ی قضایی نیز در هر مورد به دقت درصدد احراز آن باشد، اعمال این دفاع، خود کمک موثری به نظام قضایی و پلیسی، به منظور پیش‌گیری از تعرض به حقوق افراد و مقابله با آن، خواهد نمود.

قانون‌گذار با در نظر گرفتن مصلحت جامعه، با اجتماع شرایط و اوضاع و احوال خاص، ارتکاب اعمالی را که علی‌الاصول و در شرایط عادی جرم است، جرم نمی‌شناسد و مجازات نمی‌کند. این اوضاع و احوال عواملی هستند که رکن قانونی جرم را از بین برده و آن را توجیه می‌کنند. به سخن دیگر همان قانون‌گذاری که ارتکاب عملی خاص را جرم دانسته، مقرر می‌دارد که در اوضاع و شرایط خاصی انجام آن عمل جزء وظایف یا اختیارات افراد مربوط تلقی می‌شوند و بنابراین، رکن قانونی جرم (جرم شناخته شدن عملی خاص به موجب قانون) از بین می‌رود. به این موارد در اصطلاح «عوامل توجیه‌کننده ی جرم» یا عوامل زایل‌کننده ی رکن قانونی گفته می‌شود.

دفاع مشروع به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق عوامل توجیه‌کننده جرم است که زایل‌کننده ی رکن (عنصر) قانونی جرم به شمار می‌آید. بنابراین، در صورت جمع بودن شرایط دفاع مشروع، عمل ارتكابی شخص مدافع، جرم تلقی نمی‌گردد؛ بلکه عمل مباحی است که مرتکب انجام داده و بر اساس آن، نه تنها مسئومات کیفری به دنبال ندارد، بلکه هیچ‌گونه مسئومات مدنی نیز به مرتکب تحمیل نمی‌گردد. زیرا مرتکب، هیچ‌گونه تخلفی از مقررات نکرده؛ بلکه در چارچوب مقرر در قانون، حق خویش را اعمال کرده است. در واقع با اعمال و اجرای صحیح دفاع مشروع، افراد جامعه، دولتمردان را در اجرای عدالت و جلوگیری از نقض مقررات و هنجارهای اجتماعی یاری می‌رسانند. بنابراین، مراجع قانون‌گذاری و قضایی باید حامی و مشوق گسترش این نهاد باشند.

با مطالعه ی قوانین مربوط، به نواقص و تعارضاتی در این زمینه بر می‌خوریم و متأسفانه رویه ی قضایی تمایل چندانی به احراز و اجرای دفاع مشروع نشان نمی‌دهد.

دفاع مشروع، نوعی توسل به زور توسط افراد جامعه در قبال سایر افراد است که در جامعه انسجام یافته ی امروزی، این یک امر استثنایی به شمار می‌آید. بنابراین، ابتدا باید فلسفه ی وجودی دفاع مشروع روشن شود؛ سپس باید مشخص گردد در قبال چه نوع تعرضاتی می‌توان دفاع کرد؛ آن‌گاه شرایط دفاع مشروع بررسی شود.

قبل از پرداختن به موارد یاد شده، لازم به تاکید است که قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی در دو مرحله، مقررات مربوط به دفاع مشروع را بیان نموده است. در سال 1370 مواد 61 و 62 را به این موضوع اختصاص داده و در سال 1375 مواد 625 الی 630 را به بیان مقررات دفاع مشروع معطوف نموده است. این مواد، در مواردی مکمل هم، در مواردی تکراری و در مواردی متناقض با یکدیگرند.

1- فلسفه و مبنای حقوقی دفاع مشروع

از بدو پیدایش و خلقت بشریت، موجودیت یافتن انسان توأم با حق حیات وی بوده است و طبیعتاً تکلیف محترم شمردن این حق از جانب سایرین نیز به وجود آمده است. هرگاه این حق مورد تعرض سایرین واقع شود، شخص ذاتاً حق دفع تعرض را داشته و دارد. بر همین اساس، می‌توان ادعا کرد که اولاً حق دفاع مشروع یک حق ذاتی است؛ بدین معنی که

انسان ذاتاً و ابتدائاً از این حق برخوردار بوده و کسی این حق را به او «اعطا» یا منتقل نکرده است.¹ ثانیاً حق دفاع مشروع یک اصل است و محدودیت و ممنوعیت آن یک استثناء، و این استثناء در جایی است که عوامل حکومتی به دفع تعرض و حمله اقدام کنند. با این حال، با توجه به انسجام و سازمان یافتن جوامع بشری و تقسیم کاری که صورت گرفته، حق توسل به زور از سوی افراد جامعه به عوامل حکومتی تفویض گردیده و متقابلاً تکلیف ایجاد امنیت در همه ی ابعاد آن برای افراد جامعه، به حکومت محول گردیده است و از این رو، اصولاً حق توسل به زور فقط متعلق به حکومت است. اما هر آن که حکومت ناتوان از انجام این رسالت خود باشد، حق ذاتی دفاع از خود برای افراد جامعه محفوظ است و می‌تواند اقدام به دفع تعرضات غیرقانونی نسبت به حقوق خود کند. بدیهی است که اولاً در مقابل هر حمله‌ای نمی‌توان دفاع کرد؛ ثانیاً خود دفاع نمی‌تواند بی‌حد و حصر باشد.

باید تاکید نمود که دفاع مشروع محدود به حق حیات نیست؛ بلکه در قبال تعرض به سایر حقوقی که در جامعه برای افراد شناخته شده است نیز، می‌توان دفاع کرد. البته در طول تاریخ دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه ابراز گردیده است. «بنابه نظریه ی حقوق قدیم، عدم مجازات عنوان «عفو» داشت، و عملی که در حالت دفاع مشروع انجام می‌شد، جرم اما غیر قابل مجازات بود. برای این که تحت نفوذ اختلال اراده ی ناشی از حمله انجام و به محدودیت یا زایل شدن آزادی منجر شده بود؛ یعنی یک اجبار حقیقی معنوی. در این صورت، دفاع مشروع یک علت درونی ذاتی عدم مستثانات، یا به گونه ی دقیق‌تر، یک علت عدم قابلیت اسناد بود. بنابراین، فقط در صورتی قبول می‌شد که اجبار حقیقی معنوی وجود داشت؛ یعنی، فقط در صورت حمله به خود شخص و به شرط این که عمل مجرمانه با خونسردی واقع نشده باشد.» (استفانی و غیره، 1377، ص. 497)

عقیده ی دوم، دفاع مشروع را عامل توجیه کننده جرم می‌داند، نه عامل عدم قابلیت اسناد. کسی که در حالت دفاع مشروع اقدام کرده است، باید اجرا کننده ی حق تلقی گردد. دفاع فردی، که اصولاً ممنوع است (کسی حق اجرای عدالت برای خود ندارد)، در برابر حمله ی نادرست ناشی از فقدان مداخله اجتماعی، مشروع می‌شود. در تعارض بین منافع حمله کننده و حمله شده، قابل احترام بودن حیات و تمامیت جسمی حمله کننده کم تر از حیات و تمامیت جسمی حمله شده به نظر می‌رسد.

حتی، چنین قبول شده است که با دفاع از خود، دفاع کننده تنها حقی را اجرا نمی‌کند، بلکه تکلیف عدالت را انجام می‌دهد؛ زیرا کسی که حمله ی نادرست را رد می‌کند برای حق و دفاع از جامعه مبارزه می‌کند. با دفاع، او حق مورد تهدید را برقرار می‌کند. هگل (Hegel) نوشته است که «حمله انکار حق است، و دفاع، انکار این انکار است، پس دفاع اجرای حق است» بر پایه این دلایل است که دفاع از شخص دیگر نیز پذیرفته شده است، اما به همین دلیل دفاع هنگامی مشروع است که حمله نادرست باشد، یعنی حمله نظم اجتماعی را به هم بزند، و اگر دفاع متناسب باشد، بدون مشوب کردن نظم، آن را برقرار می‌کند. (استفانی و سایرین، 1377، ص. 8-497)

2- موضوع دفاع مشروع:

در این بحث بر آنیم که روشن کنیم در قبال تعرض و حمله به چه چیزی، می‌توان دفاع کرد؟ با مطالعه ی تاریخچه دفاع مشروع که در گذشته فقط دفاع در مقابل جان خود شخص پذیرفته می‌شد و مقایسه آن با نظریه‌های حقوق دانان و صاحب نظران و هم چنین قوانین جزایی فعلی که الهام گرفته از تئوری‌های جدید هستند، اهمیت این بحث روشن می‌شود.

¹ در ماده ی 51 منشور سازمان ملل متحد نیز از حق دفاع ذاتی سخن به میان آمده است.

در خصوص دفاع از مال، نه تنها در حقوق ایران، بلکه در حقوق سایر کشورها از جمله فرانسه نیز همواره اختلاف نظر در این زمینه وجود داشته است. (استفانی و سایرین، 1377، ص. 9-498)

بدیهی است چنانچه مبنای دفاع مشروع را اجبار معنوی بدانیم و معتقد باشیم که چون آزادی اراده‌ی مرتکب سلب شده، وی مجازات نمی‌شود، اصولاً فقط در قبال حمله به نفس خود شخص، وی می‌تواند به عذر دفاع مشروع استناد کند؛ اما اگر معتقد باشیم که دفاع مشروع، به منظور جلوگیری از تعرض به حقوق اشخاص و نقض قانون پذیرفته شده، می‌تواند در قبال هرگونه تعرض به حق، به دفاع مشروع استناد نمود. ماده‌ی 61 قانون مجازات اسلامی در این زمینه دفاع در مقابل تجاوز به نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری، را پذیرفته است.

با روشن نمودن مفهوم هریک از واژه‌های یاد شده، می‌توان قلمرو دفاع مشروع را مشخص کرد.

2-1- نفس خود یا دیگری:

منظور از نفس این است که اگر تن و جسم خود شخص یا دیگری مورد تعرض قرار گیرد، می‌تواند در مقابل آن دفاع کرد. برای نمونه، اگر شخصی مورد ضرب و جرح واقع شود، می‌تواند از خود دفاع کند. باید اضافه کرد که دفاع از دیگری در صورتی جایز است که شخص مورد حمله ناتوان از دفاع بوده، نیاز به کمک داشته باشد. (تبصره ماده‌ی 62 قانون مجازات اسلامی). بنابراین، چنانچه خود شخص قادر به دفاع باشد، اما تعمداً اقدام به دفاع از خود نکند، شخص ثالث نمی‌تواند به بهانه‌ی دفاع دخالت کند. هم‌چنین به نظر می‌رسد مجنی‌علیه باید مایل و راضی به دخالت و دفاع شخص ثالث بوده و در صورت اقتضای شرایط، لازم است استمداد نیز بکند. برای مثال، ممکن است زن و شوهری با یکدیگر اختلاف داشته و مشاجره آن‌ها منجر به درگیری فیزیکی نیز بشود؛ اما این امر را نباید مبنای قطعی برای دخالت سایر اشخاص در نزاع به منزله‌ی دفاع مشروع از یکی از زوجین، در قبال دیگری تلقی نمود. اما اگر شخص مهاجم با بستن دهان مجنی‌علیه امکان استمداد را از وی سلب کرده باشد، ضرورتی به استمداد وی نخواهد بود؛ بلکه از امارات و قرائن می‌توان نیاز وی به کمک را استنباط نمود.

2-2- ناموس

از نظر لغوی واژه‌ی «ناموس» دارای معانی متعدد و متفاوتی هست که در فرهنگ معین 18 معنی برای آن ذکر شده است. از میان این معانی، «عفت، عصمت، پاکدامنی» و «زنان یک خانواده وابسته به یک مرد» می‌توانند مورد توجه قانون‌گذار بوده باشند. (فرهنگ معین، 1372، ص. 4629) از سوی دیگر، با توجه به این که مفهوم اول با معنی «عرض» مطابقت می‌کند، به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار به مفهوم دوم نزدیک بوده و همسر مرد مربوط، مورد نظر قانون‌گذار بوده است. کما این که در عرف جامعه نیز بیش‌تر این معنی به ذهن تداعی می‌شود. بنابراین، اگر بانویی مورد تعرض شخصی واقع شود، با اجتماع سایر شرایط، شوهر وی می‌تواند به دفاع از همسر خود برخیزد. بدیهی است که چون حق دفاع از ناموس، مستقلاً پیش‌بینی شده است، از این رو، اعمال این حق، نیازی به استمداد یا رضایت همسر ندارد و اعمال این حق حتی منوط به ناتوانی زن از دفاع نیز نیست.

لازم به ذکر است که برخی، دامنه‌ی مفهوم واژه‌ی «ناموس» را گسترش داده، اظهار نظر کرده‌اند: «در زبان مردم، حرمت اخلاقی خود انسان، پدر و مادر و همسر، برادران و خواهران و اولاد، ناموس شخصی تلقی می‌شود. به این ترتیب چنانچه شخصی از طریق اعمال منافی عفت درصدد تجاوز به این حرمت اخلاقی برآید و در اثبات این عمل از طرف شخصی که ناموسش در معرض تجاوز است مورد قتل، ضرب و جرح و یا اعمال مجرمانه دیگر قرار گیرد، جرمی که علیه

او صورت گرفته مستوجب دفاع کننده نخواهد بود.» (دکتر صانعی، 1374، ص. 196) اما به نظر می‌رسد در خصوص سایر نزدیکان شخص (از قبیل برادر و پدر و ...) صرفاً به استناد دفاع از نفس یا عرض دیگری می‌توان دفاع کرد. نویسنده یاد شده در خصوص نسبی بودن مفهوم ناموس حسب جوامع و اماکن مختلف این گونه توضیح می‌دهد: «باید توجه داشت که «تجاوز به ناموس» تا حدود زیادی امری اعتباری است و با توجه به آداب و رسوم و خصوصیات اخلاقی مردم هر محیط، ممکن است مصادیق مختلف داشته باشد. برای نمونه، در میان غربیان موسوم است که به رسم دوستی زنان را می‌بوسند و از این نظر فرقی میان دختر مجرد و زن شوهردار نیست. بنابراین شخصی که به همین ترتیب بار آمده و بوسیدن زن و مرد را به عنوان نشانه یک دوستی ساده تلقی می‌کند، و بارها همین عمل از خود او مشاهده شده است، نمی‌تواند یکی از آشنایان خود را که در شرایط عادی در حال بوسیدن زن یا خواهر اوست به عنوان این که به ناموس او تجاوز کرده بکشد و از مجازات معاف باشد. در حالی که در میان مردم یک ده که در آن جا روابط زن و مرد تابع ضوابط و اصول دیگر است، چنان چه شوهری مردی را که در حال بوسیدن زن اوست بکشد باید عمل او را دفاع مشروع تلقی کرد. در واقع ضابطه این است که با توجه به عرف و عادات محل و همین طور سوابق شخصی و اجتماعی دفاع کننده محرز شود که از نظر جامعه و خود او، عمل شخص ثالث، تجاوز به ناموس او تلقی شده است.» (دکتر صانعی، 1374، ص. 197)

در این زمینه با ذکر مورد خاصی از دفاع از ناموس، باید در اظهار نظر مطلق این نویسنده ی محترم دایر بر این که «چنان چه شوهری مردی را که در حال بوسیدن زن اوست بکشد باید عمل او را دفاع مشروع تلقی کرد.» تردید نمود؛ زیرا کشتن شخصی به این استناد متناسب به نظر نمی‌رسد. در این زمینه ماده ی 630 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.»

از این ماده نکات مهمی استنباط می‌شود: 1- کشتن شخصی به استناد تعرض به ناموس قاعده‌ای خاص و استثنایی است و برای اجرای این حق شرایط این ماده باید جمع باشند؛ 2- فقط شوهر مجاز به اعمال این حق است. بنابراین، نه تنها پدر، برادر و پسر یک زن نمی‌توانند به این استناد زانی و زانیه را بکشند، بلکه زن نیز حق ندارد اقدام به کشتن شوهر زانی خود و زانیه بکند. 3- شوهر فقط در صورتی می‌تواند این حق خود را اعمال کند که زن خود را با مردی در حال «زنا» ببیند. بنابراین، اگر آنان را در حال روبوسی یا در یک فراش ببیند، بی‌آن که در حال ارتکاب زنا باشند، مجاز به کشتن آنان نیست. باید تأکید کرد که اگر عمل مرتکب در این موارد با سایر مواد و مقررات مربوط به دفاع منطبق باشد، حق دفاع شخص (شوهر) قابل اعمال است. برای نمونه، اگر شخصی به عنف و اکراه در صدد هتک ناموس شخص یا اقارب او باشد و دفاع متوقف بر قتل مهاجم باشد، به استناد ماده ی 629 قانون مجازات اسلامی کشتن چنین کسی مباح خواهد بود.

به نظر می‌رسد که مبنای حقوقی دفاع مشروع از ناموس، عمدتاً حق تمتع انحصاری جنسی شوهر باشد. بر این اساس، عدم برخورداری زوجه از چنین حقی، با توجه به حق تعدد زوجات برای زوج از نظر شرعی و قانونی، قابل توجیه است. در ماده ی 630 استفاده از واژه «مرد اجنبی» شبهه ایجاد می‌کند. از نظر لغوی اجنبی به معنی بیگانه است. سؤالی که مطرح می‌گردد این که اگر شوهر زن خود را با یکی از آشنایان یا بستگان نزدیک خود در حال زنا ببیند، آیا مجاز به اعمال این حق نیست؟ برای مثال، اگر زنی با برادر یا پدر خود در حال زنا باشد، شوهر وی مجاز به اعمال حق دفاع نیست؟ به سخن دیگر، آیا نزدیکان و محارم مجاز به زانی محصنه هستند و شوهر حق اعمال دفاع را ندارد؟ به نظر

می‌رسد این امر غیرمنطقی بوده، نمی‌تواند مطمح نظر قانون گذار بوده باشد. چنان چه منشأ و علت ورود این واژه به قانون مشخص شود، مسأله تا حدی روشن خواهد شد. در ماده ی 179 قانون مجازات عمومی (سابق) مقرر شده بود: « هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله ی وجود یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آن ها یا هر دو شود معاف از مجازات است.» نظریه این که در این ماده به وجود زن با مرد اجنبی در یک «فراش» اشاره شده بود و چون ممکن است بانویی با محارم خود از قبیل پدر و برادر در یک فراش باشد - بی آن که عمل مجرمانه یا نامشروعی انجام دهند - و با عنایت به این که در قانون مذکور انجام عمل زنا شرط کشتن زن و مرد زانی توسط شوهر نبود، لذا ضرورت داشت که در یک فراش بودن فقط با اجانب جرم باشد. امروزه که قانون گذار به درستی جانب احتیاط را رعایت کرده و شرط این نوع دفاع مشروع را ارتکاب «زنا» دانسته است، آوردن واژه ی اجنبی زاید و بلکه اشتباه به نظر می‌رسد.

2-3- عرض

در فرهنگ معین برای واژه ی «عرض» این معانی آمده است: «ذات، نفس، آبرو، ناموس، شرف». (معین، 1372، ص. 2289) نظر به این که «نفس» و «ناموس» به گونه ی مستقل در قانون ذکر شده، باید روی مفهوم «شرف» و «آبرو» تمرکز و تأکید نمود. بنابراین، دفاع در مقابل هتک حرمت و آبروریزی نیز، با رعایت سایر شرایط دفاع مشروع، موجه است. برای مثال، اگر کسی با اعمال منافی عفت در صدد تحقیر دیگری برآید یا در صدد تجاوز به او باشد یا به طور مداوم به وی فحاشی نموده، نسبت های ناروایی بدهد، شخص می‌تواند به منظور جلوگیری از ادامه ی این اعمال مجرمانه، به دفاع مشروع متوسل گردد.

دیوان عالی کشور در تأیید این نوع دفاع در رأی اصراری 4-16/2/1376 اظهار داشته است: «با توجه به این که متهم ضمن اقرار به قتل اظهار داشته که شکار... (مقتول) نیمه شب در گاراژ در بسته قصد تجاوز به وی داشته و با در دست داشتن چاقو و تهدید با آن از خارج شدن او از گاراژ جلوگیری نموده و در جریان دفاع مرتکب قتل شده و محتویات پرونده نیز مؤید صحت مدافعات مشارالیه است و طبق ماده ی 61 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370، کسی که در مقام دفاع مرتکب جرم می‌شود، قابل تعقیب و مجازات نیست و بر این اساس محکومیت به قصاص نفس برخلاف قانون می‌باشد، لهذا اعتراض وارد است...»

2-4- مال

چنان چه از دست دادن تعادل و توازن ذهنی یا اجبار معنوی را مبنای موجه بودن دفاع مشروع تلقی کنیم، اصولاً شخص حق دفاع از مال را نخواهد داشت؛ اما نظر به این که دفاع مشروع به منزله ی حق افراد جامعه به منظور دفع تعرض تلقی می‌گردد، قانون گذار حق دفاع از مال خود و حتی مال متعلق به دیگری را در صورت استمداد صاحب مال، در قبال هرگونه عملی که حق مالکانه را مختل یا زایل نماید، پذیرفته است. بدیهی است که علاوه بر مالک، امین و کسی که مسؤلمات نگهداری مال دیگری را به عهده دارد، نیز حق دفاع از تعرض به مال را دارد. (تبصره ی ماده ی 625 ق.م.ا.)

2-5- آزادی تن

انسان ذاتاً آزاد آفریده شده و به جز موارد قانونی کسی نمی‌تواند آزادی رفت و آمد و آزادی تحرک دیگری را سلب کند؛ در غیر این صورت با جمع سایر شرایط دفاع مشروع، می‌توان از چنین حقی دفاع کرد.

دیوان عالی کشور در رأی اصراری 29-1360 ردیف 20/60 حتی توسل به چاقو را برای دفاع از آزادی خود و دیگری پذیرفته است: «... فرجام خواه پس از دستگیری و مضروب شدن متهم اصلی وسیله ی شکات خصوصی دستور آوردن طناب برای بستن و مجازات او به صحنه و با توسل به آن فرجام خواه را از معرکه خارج و خود نیز متواری می گردد و منظورش از ارائه ی چاقو صرفاً نجات فرجام خواه بوده نه تظاهر و قدرت نمایی با آن.»

به طور خلاصه می توان گفت: موضوعی که مورد تعرض و حمله قرار گرفته و می توان در قبال آن دفاع کرد، همواره یک «حق» است؛ از قبیل حق حیات، حق آزادی، حق بر کرامت بشری، حق مالکیت و مانند آن؛ بنابراین، اگر حق قانونی شخص مورد نقض و تعرض قرار گیرد، وی برای دفع چنین تعرضی می تواند از خود دفاع کند. هدف غایی نیز جلوگیری از تعرض افراد به هنجارهای اجتماعی و حقوق سایرین است. بر همین اساس، در ماده ی 2 کنوانسیون اروپایی حقوق بشری، حق دفاع مشروع و نیز حق جلوگیری از فرار متهم برای شهروندان به رسمیت شناخته شده است. در قوانین کیفری بیش تر کشورها به متوقف نمودن ارتکاب جرم و جلوگیری از فرار متهم اشاره شده است. برای مثال، در حقوق انگلیس به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم یا دستگیری مجرمین و متهمین یا در کمک به انجام چنین اعمالی شخص می تواند به زور متوسل شود. بنابراین، در کنار «دفاع از خود» مسأله ی جلوگیری از ارتکاب جرم نیز مطرح است. (Jefferson, 2001, p.324) اما متأسفانه قانون ایران در این زمینه ساکت است.

3- شرایط دفاع مشروع

پیش از این اشاره شد که در قبال حمله و تعرض غیرقانونی - در صورتی که قوای دولتی در دسترس نباشند یا وجود آن ها برای دفع حمله مؤثر واقع نشود - شخص می تواند به منظور دفع حمله و خطر، متوسل به زور شده و دفاع کند. بنابراین، زمانی می توان به دفاع مشروع با عنوان عامل توجیه کننده متوسل شد که اولاً حمله یا تعرض؛ 1- فعلیت داشته باشد یا قریب الوقوع باشد، 2- غیرقانونی باشد؛ ثانیاً دفاع؛ 1- متناسب با حمله باشد، 2- ضرورت داشته باشد. بنابراین، در مجموع چهار شرط برای قانونی بودن دفاع مشروع وجود دارد. در قوانین قبل از انقلاب یکی از شرایط دفاع مشروع، عدم تحریک مهاجم از سوی مدافع بود، اما این شرط در قوانین فعلی وجود ندارد.

3-1- فعلیت یا قریب الوقوع بودن حمله

منظور از «فعلیت حمله» یا تجاوز این است که تعرض به حقوق شخص (نفس، آزادی، عرض، ناموس، حیثیت یا مال خود یا دیگری) در حال انجام باشد. برای مثال، شخص متجاوز در حال ایراد ضرب به شخص باشد یا بر مال وی استیلاء یابد و درصدد ربودن آن باشد یا در حال انجام عمل منافی عفت به عنف باشد. مقصود از «قریب الوقوع بودن حمله» این است که عمل تجاوزکارانه در شرف وقوع باشد و تحقق آن در لحظات آتی عرفاً مسلم تلقی شود. بدیهی است که وجود دلایل و امارات یقین آور در زمینه ی قریب الوقوع بودن حمله ضروری است. برای مثال، وقتی شخصی بنزین بر روی اموال دیگری پاشیده و درصدد تهیه کبریت است تا مال دیگری را آتش بزند، می توان جلوی احراق را گرفت و منطقی نیست منتظر شویم وی اقدام به آتش زدن اموال کند، سپس دفاع کنیم. همچنین است در صورتی که شخص با دست گرفتن چاقو، درصدد حمله به دیگری باشد.

با تدقیق و تأمل در این شرط، دو مقوله از شمول حمله ی فعلی یا قریب الوقوع خارج می گردد: اول، حملاتی که وقوع آن ها کاملاً احتمالی بوده و براساس ظن و گمان یا قرائن ضعیف باشد (دفاع پیشگیرانه)؛ برای نمونه اگر نوجوانی شخص

الف را تهدید کرده باشد که بعد از بزرگ شدن انتقام شدیدی از الف خواهد گرفت، این شخص نمی‌تواند پیشاپیش اقدام به دفاع از خود کند؛ چون بروز خطر حتمی و نزدیک نیست. اداره ی حقوقی نیز در نظریه ی شماره 7/2219-1378/8/1 اشعار داشته است: «احتمال آبروریزی یا احتمال ضرب و جرح چه خفیف و چه شدید مجوز دفاع مشروع نمی‌باشد. تشخیص این که دفاع مشروع بوده و منطبق با مواد 61 و 625 لغایت 629 ق.م.ا. می‌باشد یا خیر؟ به عهده ی قاضی رسیدگی کننده است.»

دوم، حملاتی که واقع شده و خاتمه یافته شخص در واقع به جای دفاع، به حمله ی انتقام‌جویانه دست یازد. چون فلسفه ی دفاع مشروع، متوقف گرداندن حملات غیرقانونی است، با خاتمه یافتن این حملات، موردی برای دفاع باقی نمی‌ماند. برای مثال، اگر کسی امروز مورد حمله قرار گیرد، اما وسیله ی لازم برای دفاع از خود نداشته باشد، نمی‌تواند فردا با تهیه ی وسیله از خود دفاع کند. بدیهی است در چنین مواردی، راه تظلم در مراجع قضایی برای شخص باز است و وی می‌تواند به جای انتقام، اقدام به شکایت علیه متجاوز بکند.

3-2- غیرقانونی بودن حمله

در قبال حمله زمانی می‌توان دفاع کرد که حمله غیرقانونی باشد و الا در قبال اقدام قانونی نمی‌توان اقدام به دفاع از خود کرد. اگر کسی به ناروا درصدد سلب آزادی از دیگری برآید، شخص حق دفاع از آزادی خود را با توسل به زور و حتی خشونت خواهد داشت؛ اما اگر مأمور نیروی انتظامی با داشتن حکم جلب از مرجع ذی صلاح قضایی، درصدد جلب شخص باشد، شخصی که حکم جلب وی از مرجع ذی صلاح صادر شده، مجاز به دفاع از خود نیست. به همین دلیل قانون‌گذار مقاومت در برابر قوای دولتی را مجاز نمی‌شمارد؛ چون فرض براین است که قوای دولتی در انجام وظایف خود، موازین قانونی را رعایت می‌کنند. در این زمینه ماده ی 62 قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود اما هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود، خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است.

بنابراین، اگر مأموران دولت از حدود اختیارات قانونی خود فراتر رفته و به نفس، عرض یا ناموس مردم تعرض کنند، می‌توان در قبال آن دفاع کرد؛ اما در این ماده، در قبال تعرض به آزادی و مال توسط مأموران دولتی، هیچ‌گونه حق دفاعی پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد در تعرض به مال (برای مثال تخریب لوازم منزل) که صرفاً جنبه ی مادی دارد، با توجه به در دسترس بودن مأموران دولتی، از نظر قانون‌گذار جبران خسارت امکان‌پذیر تلقی گردیده است و از این رو، در چنین مواردی افراد نباید شخصاً از اموال خود یا دیگری دفاع کنند؛ بلکه صاحب مال یا حافظ اموال می‌تواند با توسل به مراجع ذی صلاح قضایی و طرح دعوی (کیفری یا حقوقی)، ضمن جبران خسارت وارد شده، نسبت به تعقیب مجرمین اقدام قانونی به عمل آورد.

با مطالعه ماده 628 قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری، در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشد دفاع محسوب نمی‌شود اما هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آن‌ها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد در این صورت دفاع در مقابل آن‌ها نیز جایز است. متوجه می‌شویم که قانون‌گذار ضمن تکرار محتوای ماده ی 61، دفاع در قبال تعرض مأمورین دولتی به «مال» را نیز پذیرفته است. نظر به این که ماده ی 62 در سال 1370 و ماده 628 در سال 1375 تصویب شده است، تردیدی نیست که قانون لاحق حاکم بوده و در حقوق کیفری

ایران، چنانچه مأموران دولتی از حدود وظایف خود خارج شده به اموال افراد تعرض کنند، می‌توان در قبال آن دفاع کرد.

در خصوص تعارضی که بین این دو ماده در خصوص تعرض مأمورین دولتی به مال و دفاع از آن، حادث شده است، سه نوع تفسیر قابل ارائه است: 1- در سال 1370 ذکر واژه ی «مال» سهواً از قلم افتاده و قانون گذار در سال 1375 این واژه را نیز افزوده است. 2- قانون گذار در سال 1370 با تحلیل مسأله و دلایل توجیهی که ذکر شد، تعمداً «مال» را بیان نکرده است، اما در سال 1375 سهواً این واژه نیز در ماده 628 ذکر شده است. 3- قانون گذار در سال 1370 با بررسی کارشناسانه و دلایل کافی، تعمداً تعرض به مال را در ماده ی 62 پیش‌بینی نکرده، اما در سال 1375 با بررسیهای بیش تر و دقیق تر پی برده است که دفاع در قبال تعرض مأمورین دولت به مال نیز لازم و ضروری است و در ماده ی 628 این واژه را گنجانده است. در حالت عادی تفسیر سوم، منطقی‌ترین تفسیر تلقی می‌گردد؛ زیرا قانون گذار اصولاً با بررسی و سنجش دقیق اقدام به وضع قانون جدید یا تغییر قوانین سابق می‌کند. اما متأسفانه در این مورد اولاً هیچ گونه مبنای حقوقی و منطقی برای افزودن واژه ی «مال» نمی‌توان یافت و ثانیاً با مطالعه ی مواد قبلی (625 الی 627) ملاحظه می‌گردد که قانون گذار در این مواد محتوای ماده 61 را تکرار نموده است و از این رو، این شبهه ایجاد می‌شود که مقنن سال 1375 توجهی به قانون قبلی نداشته است. ضمن این که در ماده ی 628 - با این که دفاع در قبال تعرض به مال پذیرفته شده است - دفاع از «ناموس» ذکر نشده است. عدم ذکر آزادی افراد نیز توجیه منطقی و حقوقی ندارد؛ برای نمونه چگونه می‌توان پذیرفت که مأموری که برای ابلاغ احضاریه یا حتی بازرسی منزل مراجعه نموده، اقدام غیرقانونی به سلب آزادی افراد حاضر (اعم از زن و کودک) نماید و در قبال آن نتوان دفاع کرد؟

در قبال دفاع مشروع، چون خود عملی قانونی و مشروع است، نمی‌توان دفاع مشروع نمود. اما اگر دفاع از شرایط قانونی آن خارج شود، این عمل خود نوعی تهاجم غیرقانونی است و می‌توان در قبال آن دفاع کرد. در این زمینه رویه ی قضایی ایران فقیر و ساکت است. در سال 2005 در قضیه ای¹ که در محاکم انگلستان مطرح بود، متهم به دنبال اختلاف قبلی در صدد انتقام گرفتن از شخصی برآمده است. شخص اخیر و دوستانش متقابلاً با حملاتی به مراتب فراتر از حد تناسب او را مضروب نموده وی نیز در صدد دفاع از خود برآمده بود. محاکم انگلستان نظر دادند که با خروج واکنش شخص مورد نظر و دوستانش از حد تناسب، عمل عدوانی متهم به عمل مشروع دفاعی تبدیل شده است. (Wikipedia, 2006)

3-3- تناسب دفاع با حمله

با توجه به این که علت جایز بودن دفاع مشروع، ضرورت دفع خطر و حمله ی غیرقانونی است، دفاع باید در حد دفع حمله باشد. تناسب دفاع به هیچ وجه به مفهوم تساوی عمل ارتكابی بین مهاجم و مدافع نیست؛ هم چنین مقصود، یکسان یا مشابه بودن وسایل مورد استفاده از جانب این دو نیست. البته، گاه وسیله ی مورد استفاده می‌تواند اماره ی خوبی در این زمینه باشد؛ برای نمونه اگر کسی در قبال یک ضرب ساده یا در قبال تعرض به مال - در شرایطی که به راحتی می‌توانسته حمله را دفع کند - به سلاح گرم متوسل گردد، می‌توان پی به عدم تناسب دفاع برد. اما ممکن است در مقابل شخصی که به عنف در صدد تعرض جنسی یا سلب حیات از دیگری هست، بتوان به سلاح گرم متوسل شد؛ هر چند شخص مهاجم غیرمسلح باشد. بنابراین، در هر مورد باید احراز گردد که عمل مدافع برای دفع حمله کافی بوده یا بیش از حد نیاز بوده است.

¹ Rashford (2005) AER 192

در این زمینه بند 1 ماده ی 61 قانون مجازات اسلامی مقرر نموده است: «دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد»؛ سپس در بند ب ماده ی 627 این مطلب چنین تکرار می شود: «دفاع متناسب باحمله باشد».

در بند 2 ماده ی 61 نیز این مفهوم با عبارتی متفاوت تکرار شده است: «عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد». بدیهی است که اگر عمل ارتكابی بیش از حد لازم باشد، متناسب نخواهد بود. بنابراین، بیان عبارت یاد شده به صورت یک شرط مستقل دفاع مشروع، خالی از اشکال و ایراد نیست؛ افزون بر آن، تکرار مطلب مذکور در ماده ی 61، در ماده ی 627 فاقد وجهت است.

باید تأکید نمود که مفهوم تناسب صرفاً به امکان مرتفع نمودن خطر ناظر است. بر این اساس، اگر کسی در تعرض به مال دیگری سماجت کند و متوقف نمودن این تعرض صرفاً با کشتن او ممکن باشد، کشتن چنین کسی جایز خواهد بود. از این رو، در صورتی که دفع خطر - اعم از این که خطر متوجه جان، آزادی، عرض یا ناموس خود یا دیگری یا حتی مال شخص باشد - صرفاً با کشتن متجاوز میسر باشد، قانون گذار حتی قتل عمدی را نیز مجاز شمرده است. ماده ی 629 قانون مجازات اسلامی در این خصوص اشعار می دارد:

«در موارد ذیل قتل عمدی، به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد، مجازات نخواهد داشت:

الف- دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتک ناموس خود واقارب.

ب- دفاع در مقابل کسی که در صدد هتک عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید.

ج- دفاع در مقابل کسی که در صدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید.»

به هر حال، احراز تناسب دفاع با حمله یک امر موضوعی است که در هر مورد باید از جانب دادگاه احراز گردد. در حقوق کیفری کشورهای از قبیل انگلیس که محاکمات جنایی با حضور هیأت منصفه برگزار می گردد، احراز تناسب دفاع با تجاوز صورت گرفته، از اختیارات هیأت منصفه است. (Elliot, 2000, p.265)

دیوان عالی کشور ایران در رأی اصراری شماره ی 1375/8/29-20 اشعار نموده است: «با توجه به محتویات پرونده نظر به این که مقدمین به حمله (مرحوم فریدون مقتول و اخوانش) سه نفر و مسلح به چوب و میله ی آهن بوده اند و متهم در مقابل آن ها تنها بوده و در حین نزاع فرصت مراجعه به مأمورین نیروی انتظامی را نداشته است، لذا مسؤامات وی در حد کیفر قصاص به نفس موجه نمی باشد و از طرفی دیگر چون متهم به احتمال وقوع درگیری آلت قتاله (چاقو) را از مدتی قبل تهیه و در اختیار داشته است، با این وصف، به لحاظ عدم تناسب دفاع مشروع نامبرده را نمی توان کاملاً مبرا از مسؤامات کیفری دانست.»

البته با فرض رعایت سایر شرایط دفاع مشروع، صرف تهیه چاقو به منظور دفاع مشروع، نمی تواند تناسب دفاع را از بین ببرد؛ از این رو، نظریه دیوان از این نظر قابل ایراد به نظر می رسد.

در مواردی که عمل مدافع به تشخیص دیوان عالی کشور از حد تناسب انحراف حاصل نموده و منجر به کشته شدن مهاجم شده است، دیوان عمل مرتکب را قتل شبه عمدی دانسته است. برای نمونه، در رأی اصراری 1375/8/22-18 مقرر شده است: «استدلال دادگاه ها از جهت محکومیت متهم آقای عبدالمجید به قصاص نفس موجه نمی باشد، زیرا هر چند که شرایط کامل دفاع مشروع هم در پرونده امر محقق نمی باشد و لکن با توجه به این که عده ای از طایفه مرحوم غریب مقتول با توافق و تبانی قبلی به قصد انتقام جویی نیمه شب مسلح به سلاح ناریه به مزرعه مجاور محل سکونت متهم هجوم آورده و اقدام به تخریب مزرعه ذرت آن ها نموده اند متهم را در حدی که مستوجب مجازات قصاص نفس باشد مسؤول نمی داند.»

3-4- ضرورت دفاع

چون توسل به زور از سوی اشخاص - با وجود حکومت و نیروهای انتظامی و نظامی وابسته به آن - امری استثنایی است، فقط در صورتی که ضرورت ایجاب کند اشخاص می‌توانند برای دفاع مشروع به زور متوسل شوند. بنابراین، منظور از ضرورت دفاع، عدم حضور مأموران دولتی یا غیرمؤثر بودن حضور آنان می‌باشد. بیش تر اوقات به خاطر عدم حضور مأموران انتظامی، شخص برای دفاع از حق خود ناچار از توسل به زور می‌گردد. اما برخی اوقات نیز ممکن است وجود مأمورین انتظامی برای دفع خطر کافی و مؤثر نباشد. مؤثر نبودن حضور نیروهای انتظامی و امنیتی ممکن است به خاطر عدم انجام وظیفه ی آنان باشد و ممکن است به خاطر ناتوانی آنان از انجام وظیفه، ضرورت دفاع توجیه شود. برای مثال، ممکن است گروهی اشرار مسلح به سلاح سرد، اقدام به حمله به تعدادی اشخاص نموده، اموال آن‌ها را مورد غارت قرار دهند؛ بر اثر مقاومت مأموران انتظامی حاضر، به مأموران نیز حمله‌ور شوند و مأموران به تنهایی قادر به دفع حمله و تعرض نباشند. بدیهی است که در این صورت، افراد مورد تهاجم و حتی سایر افراد، اختیار دفاع خواهند داشت. برخی از نویسندگان، ضرورت دفاع را به این معنی دانسته‌اند که هیچ راه دیگری برای مدافع وجود نداشته باشد و مثال زده‌اند که اگر امکان فرار برای شخص مورد تعرض وجود داشته باشد، نباید دفاع کند، بلکه حتماً باید فرار کند. (دکتر افراسیابی، 1374، ص. 250) قانون گذار نیز در سال 1375 با آوردن عبارت «... یا هرگونه وسیله آسان تری برای نجات میسر نباشد» در بند ج ماده ی 627، این نظریه را تقویت کرده است.

اگر به فلسفه ی وجودی دفاع مشروع توجه کنیم، پی می‌بریم که اولاً تناسب دفاع ایجاب می‌کند که در صورت امکان توقف تعرض و دفع خطر به طریق قانونی، نباید مبادرت به ارتکاب جرم کنیم؛ اما با فرار شخص مورد تعرض، در واقع جلوی تعرض گرفته نمی‌شود؛ بلکه عملاً موجب تجری متجاوز می‌گردد. اگر دفاع مشروع را یک «حق» بدانیم، نمی‌توانیم برای شخص مورد تعرض، تکلیف فرار ایجاد کنیم. بلکه شخص ذی نفع می‌تواند در صورت تمایل و توان، حق دفاع خود را اعمال کند و یا در صورت صلاح دید، از دفاع صرف نظر کرده، فرار کند. از سوی دیگر، تکلیف فرار برای شخص مورد تعرض، نتایج غیرمنطقی به دنبال خواهد داشت. برای مثال، اگر یک نفر در وسط شهر اقدام به تهاجم به افراد متعدد بکند و نیروی انتظامی در دسترس نباشد، همه ی افراد - که ممکن است به هزاران نفر نیز برسد - با وجود امکان دفاع باید فرار کنند! و معلوم نیست چرا باید این افراد مکلف به فرار باشند!؟

بیان عبارت «... یا هرگونه وسیله ی آسان تری برای نجات میسر نباشد» در بند ج ماده ی 627، نه تنها با فلسفه ی وجودی دفاع مشروع منافات دارد، بلکه با مواد قبل و بعد و روح قانون مجازات اسلامی نیز در تعارض است. واژه ی «نجات» رهانیدن جان خود شخص را به ذهن تداعی می‌کند؛ در حالی که قانون گذار خود به درستی دفاع از عرض و ناموس و «مال» خود یا «دیگری» را پذیرفته است؛ زیرا هدف اصلی، «نجات» شخص نیست، بلکه هدف متوقف نمودن تعرض است؛ از این رو، بیش تر نویسندگان به تکلیف فرار، به دیده ی تردید نگریسته‌اند. رک. دکتر صانعی، 1374، ص. 9-208، دکتر اردبیلی، 1382، ص. 3-202، دکتر گلدوزیان، 1383، ص. 329)

نتیجه گیری

«دفاع مشروع» نه تنها برای تضمین حقوق فردی، بلکه هم چنین برای تضمین نظم اجتماعی ضرورت دارد و اجرای صحیح آن می‌تواند در برقراری نظم و جلوگیری از تعرض به دولتمردان کمک کند. قانون گذار ایران، اگرچه در قانون مجازات اسلامی در هر دو مقطع قانون گذاری (سال های 1370 و 1375) به دفاع مشروع توجه نموده و به ترتیب مواد

61 و 62 و 625 الی 630 را به این موضوع اختصاص داده است؛ اما در تدوین مواد مذکور دقت کافی به عمل نیامده است و در نتیجه، نقایص زیر در آن مشهود است:

- 1- برخی مطالب تکرار شده و موجب تورم غیرلازم مقررات گردیده است و برخی مطالب غیرلازم نیز بیان شده است. در شرایطی که با تدوین دو ماده می‌توان کلیه ی مقررات را تبیین نمود، هشت ماده به این مبحث اختصاص یافته است.
 - 2- در مواردی مقررات یاد شده از نظر مضمون با یکدیگر در تعارض هستند.
 - 3- برخی مطالب نیز از قلم افتاده‌اند. که تفصیل این ایرادات در متن تشریح گردیده است.
- همچنین شایسته است تمام مقررات مربوط، در باب قواعد و مقررات عمومی بیان شوند. از سوی دیگر، در حقوق کیفری ایران، حق جلوگیری از فرار متهم - که اقدامی مکمل دفاع مشروع است - برای شهروندان پیش بینی نشده است.

رویه ی قضایی در ارتباط با دفاع مشروع بسیار فقیر است. چون احراز دفاع مشروع به سبب پیچیدگی آن نیاز به بررسی و دقت بیش تری دارد، اغلب دادگاهها تمایلی به ورود در مبحث دفاع مشروع ندارند. در بیش تر پرونده هایی که دفاع مشروع مطرح است، طرفین از خدمات و کلای دادگستری برخوردار نیستند یا برخی از وکلا نیز تسلط کافی به مقررات ندارند و از این رو، اصراری بر اعمال مقررات دفاع مشروع ندارند. در مواردی نیز با وجود استناد وکلا به دفاع مشروع، دادگاه ها با بی توجهی از کنار آن می گذرند. این بی توجهی موجب شده است که نه تنها زوایای تاریک و مبهم دفاع مشروع از سوی محاکم روشن نشود، بلکه اصل قابلیت اعمال و اجرای این نهاد با شبهه مواجه شود.

بنابراین، شایسته است قانون گذار به جای مجموعاً 8 ماده ای که برای تدوین دفاع مشروع اختصاص داده، با وضع 2 یا 3 ماده ی کارشناسی شده ضمن پر کردن خلاها و نارسایی های موجود، تعارضات و ابهامات را نیز برطرف کند. آخرین نکته این که ضرورت و اهمیت اعمال و اجرای دفاع مشروع باید برای دست اندرکاران به ویژه قضات تبیین و روشن شود. در نهایت، افزایش آگاهی قضات نسبت به مسایل غیرحقوقی از قبیل مباحث روان شناسی و جامعه شناسی نیز می تواند در پذیرش و اجرای دفاع مشروع مؤثر واقع شود.

الف) به زبان فارسی

- اردبیلی، محمد علی، «حقوق جزای عمومی»، (2جلد)، نشر میزان، چاپ پنجم 1382
- استفانی، گاستون، ژرژ لواسور، برنار بولوک، «حقوق جزای عمومی» جلد اول، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول 1377
- افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات فردوسی، چاپ اول 1374
- سلیمی. صادق، «چکیده حقوق جزایی عمومی» انتشارات تهران صدا، چاپ اول بهار 1384
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، (دو جلد) انتشارات مجد - ژوبین، چاپ یازدهم 1382،
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم 1374
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم 1383
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، چاپ اول 1369

ب) به زبان انگلیسی

- Elliot ,Catherine and Frances Quinn, Criminal Law, Longman, Third Edition, 2000
- Jefferson, Michael Criminal Law, Longman Fifth Edition, 2001
- Self-defence in English law, From Wikipedia, the free encyclopedia.(2006).
http://en.wikipedia.org/wiki/self-defence_in_english_law